

بررسی تأثیر خصوصی سازی بر تجدید ارائه های حسابداری

دکتر محمدحسین ودیعی *

دکتر محمدعلی باقرپور ولاشانی **

حسین سیفی قبادی ***

چکیده

این مطالعه به بررسی تأثیر خصوصی سازی شرکت های بورسی که توسط سازمان خصوصی سازی صورت گرفته است، بر تجدید ارائه های حسابداری می پردازد. بدین منظور تعداد ۳۵ شرکت از بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ که بیشتر از ۲۰ درصد سهام آن از طرف سازمان خصوصی سازی واگذار شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی فرضیه های پژوهش از تحلیل رگرسیونی استفاده گردید. از آزمون های چاو و هاسمن نیز به منظور انتخاب بین الگوهای ترکیبی، آثار ثابت و تصادفی استفاده شده است. همچنین، شاخص های مورد نظر در دو سال قبل (۱۳۸۰) و دو سال بعد از واگذاری (۱۳۹۱) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها با استفاده از تحلیل رگرسیونی الگوی تصادفی نشان می دهد که واگذاری سهام شرکت های بورسی از طرف سازمان خصوصی سازی، باعث کاهش تعداد و میزان تجدید ارائه های حسابداری می گردد. همچنین با افزایش درصد مالکیت انتقال یافته، میزان این تجدید ارائه ها به مراتب کمتر می گردد.

* دانشیار حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

** استادیار حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد و عضو گروه تحقیقات حاکمیت شرکتی دانشگاه ملی استرالیا (ANU)، مشهد، ایران.

*** کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

نویسنده مسئول مقاله: حسین سیفی قبادی (Email: Hosein_seyfighobadi@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۵

واژه های کلیدی: تغییر مالکیت، خصوصی سازی، تجدید ارائه صورت های مالی، تجدید ارائه سود، سازمان خصوصی سازی.

مقدمه

خصوصی سازی^۱ یک پدیده جهانی است که هنوز هم در اولویت کارهای اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه قرار دارد. از خصوصی سازی تعاریف و تعبیر متفاوتی شده است. هر اندیشمند اقتصادی بر جنبه خاصی از خصوصی سازی تاکید نموده و این امر باعث تعبیر متفاوتی از این مفهوم شده است. خصوصی سازی را در یک تعریف کاربردی می توان اصطلاحی ساده، اما بسیار گسترده دانست که با انتقال دارایی ها یا توزیع خدمات از دولت به بخش خصوصی همراه است و می تواند دامنه گسترده ای را شامل شود که گاهی اوقات نقش بسیار محدود دولت را نیز منع و در پاره ای از اوقات شراکتی بین دولت و بخش خصوصی ایجاد می کند، در حالی که دولت همچنان بازیگر مسلط و غالب است (یانیدی^۲، ۲۰۱۰).

خصوصی سازی فقط انتقال مالکیت دولتی به بخش خصوصی و از بین رفتن یا کم رنگ شدن نقش دولت نیست؛ بلکه نقش نظارتی دولت در این زمینه بسیار مهمتر می شود و دولت باید با ابزارها و مکانیسم های خود بر شرکت های واگذار شده نظارتی دو چندان داشته باشد و این اعمال نظارت بیشتر باعث بالا رفتن کیفیت گزارشگری مالی شرکت در دوره های بعد از واگذاری می گردد (فالیو و دونالدسون^۳، ۲۰۰۷). بالا بودن کیفیت گزارشگری مالی یک عنصر مهم و در بازار سرمایه، قوی و کارا به شمار می آید و آن را تحت تأثیر قرار می دهد (اندرسون و یون^۴، ۲۰۰۳). در همین حال، شواهد زیادی نشان می دهد که در کشورهای در حال توسعه، شرکت های بورسی به دلایل متعدد گزارشگری مالی صادقانه ای انجام نمی دهند (اکسی و همکاران^۵، ۲۰۰۳). از طرف دیگر با تغییر مالکیت از دولتی به غیر دولتی مشکلات جدی نمایندگی نیز پدیدار می گردد، که خود نیز احتمال تجدید ارائه های حسابداری را در دوره های بعد از خصوصی سازی افزایش می دهد.

در پی واگذاری‌های انجام شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران - در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی توسط سازمان خصوصی‌سازی - و تغییرات صورت گرفته در مالکیت این شرکت‌ها، بررسی نقاط ضعف و قوت این روند و همچنین تأثیری که بر اقتصاد و دیگر بخش‌های جامعه دارد، ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، این سوال به ذهن متبادر می‌شود که خصوصی‌سازی شرکت‌های بورسی چه تأثیری بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در این شرکت‌ها دارد. همچنین میزان درصد سهام خصوصی شده شرکت چه تأثیری بر سطح تجدید ارائه‌های صورت‌های مالی دارد؟ در این تحقیق تأثیر خصوصی‌سازی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در ادامه پس از بیان مبانی نظری تحقیق، خلاصه‌ای از ادبیات موضوع مطرح و فرضیه‌های تحقیق ارائه می‌شود. سپس با ارائه الگوی تحقیق، به تشریح متغیرهای مورد استفاده در پژوهش پرداخته می‌شود. در بخش‌های بعد، روش تحقیق، جامعه، نمونه آماری و یافته‌ها، مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و پیشنهادهایی مبتنی بر نتایج تحقیق ارائه می‌گردد.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

خصوصی‌سازی

رویکرد کوچک سازی بدنه دولت و بهبود عملکرد فعالیت‌های اقتصادی از طریق افزایش نقش نیروهای بازار و محول کردن فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی با انتقال مدیریت و یا مالکیت دارایی‌ها به این بخش مفهوم خصوصی‌سازی را تشکیل می‌دهد. ساده‌ترین شکل اهداف خصوصی‌سازی، گردش و یا انتقال دارایی از یک سازمان غیرانتفاعی به مالکیت خصوصی برای اطمینان به تداوم و حفظ دارایی است (عادل آذر و همکاران، ۱۳۸۹). در راستای اهداف مذکور نقش نظارتی دولت نه تنها کم رنگ نشده است، بلکه پررنگ‌تر خواهد شد. تئوری نمایندگی نشان می‌دهد که ساختار مالکیت شرکت (دولتی و خصوصی) بر تقاضا برای حسابرسی با کیفیت تأثیر می‌گذارد (چان و همکاران، ۲۰۰۷). وجود سرمایه‌گذاران متنوع در ساختار مالکیت شرکت، نقش مهمی در

نظارت بر عملیات بنگاه ایفا می کند. از عوامل مهم این اعمال نظارت مؤثر، کیفیت بالای حسابرسی است.

از جمله مواردی که بر تجدید ارائه های حسابداری به عنوان معیاری برای کیفیت حسابرسی^۶ تأثیر می گذارد، نوع مالکیت از جمله دولتی و خصوصی بودن و یا عمومی و غیر انتفاعی بودن آن سازمان و یا شرکت می باشد. تحقیقات نظری و تجربی زیادی به بررسی ارتباط بین تغییرات در مالکیت و عملکرد سازمانی پرداخته اند، اما کمتر مشخص کرده اند که چگونه خصوصی سازی (تغییرات سازمانی) و شیوه های مدیریتی در یک شرکت به نوبه خود، عملکرد شرکت و ساز و کارهای حاکمیتی (از جمله کیفیت گزارشگری مالی) را تحت تأثیر قرار می دهد (ویوریتا و آریف^۷، ۲۰۰۴). به طور نمونه گدابی و همکاران^۸ (۲۰۰۹) در پژوهش خود که به بررسی ۱۷۶ مورد خصوصی سازی از ۳۲ کشور جهان پرداختند، به این نتیجه رسیدند که با تغییر مالکیت از دولتی به خصوصی مشکلات جدی نمایندگی ظهور پیدا می کند. یافته های آنان حاکی از این است که شرکت های خصوصی شده در سراسر جهان بیشتر تمایل دارند کیفیت حسابرسی بالایی داشته باشند. در مقایسه شرکت های دولتی و خصوصی، چن و همکارانش^۹ (۲۰۰۸)، نتایج خود را چنین بیان می کنند که کیفیت حسابرسی با تغییر ساختار مالکیت تغییر می کند. شرکت های دولتی برای سهولت تبانی و دستکاری صورت های مالی از حسابرسان کوچک (با کیفیت حسابرسی پایین) استفاده می کنند. در مقابل، شرکت های غیردولتی از حسابرسان با کیفیت بالا استفاده می کنند. بوشمن و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۴) نیز در پژوهش خود دریافتند که هرچه مالکیت سهم دولت بیشتر باشد، شفافیت مالی ضعیف می شود.

در ایران بیشتر تحقیقات انجام شده در حوزه انتقال مالکیت از دولت به سایر شرکت ها، بخش ها و یا سازمان ها (به اصطلاح خصوصی سازی) پیرامون مقایسه عملکرد شرکت قبل و بعد از خصوصی سازی صورت گرفته است و پژوهش مشابهی در ارتباط با موضوع مورد مطالعه در ایران صورت نگرفته است. پورعلی و همکاران (۱۳۹۲) با بررسی تأثیر نوع مالکیت (خصوصی یا دولتی) بر سطوح مختلف سلامت مالی، نشان دادند که نوع

مالکیت بر سلامت مالی شرکت‌ها تأثیر مثبت دارد. به عبارتی با توجه به نظارت مناسب‌تر در شرکت‌های خصوصی، این نظارت موجب ارتقاء سلامت مالی واحدهای اقتصادی در تداوم فعالیت و سودآوری خواهد شد. پس شرکت‌های خصوصی از سلامت مالی بیشتری برخوردارند.

مجتهدزاده و اثنی عشری (۱۳۹۳) نیز با بررسی رابطه خصوصی‌سازی و ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی با سرعت گزارشگری و عملکرد مالی نشان دادند که عملکرد مالی بنگاه‌های واگذار شده بعد از خصوصی‌سازی افزایش یافته است و با ساز و کارهای تمرکز مالکیت، استقلال مالکیت هیئت مدیره و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری دارد و سرعت گزارشگری مالی پس از خصوصی‌سازی افزایش نیافته است. **قابلیت اصل و رنجبر (۱۳۸۴)**، با اثر خصوصی‌سازی بر عملکرد شرکت‌های واگذار شده به بخش خصوصی و عمومی با استفاده از اطلاعات مالی مربوط به ۱۸ شرکت - ۸ شرکت واگذار شده به بخش خصوصی و ۱۰ شرکت واگذار شده به بخش عمومی - که طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹ واگذار شده‌اند، عملکرد سه سال قبل و بعد از واگذاری، شرکت‌های دو گروه مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد، اگرچه عملکرد شرکت‌ها بعد از واگذاری بهبود یافته است، اما از نظر آماری، تفاوت معناداری بین عملکرد شرکت‌ها قبل و بعد از واگذاری مشاهده نمی‌شود. هم‌چنین بین عملکرد شرکت‌های واگذار شده به بخش‌های خصوصی و عمومی در دوره بعد از واگذاری تفاوت معناداری وجود ندارد.

تجدید ارائه صورت‌های مالی^{۱۱}

تجدید ارائه در صورت‌های مالی یکی از عواملی است که قابلیت اتکاء صورت‌های مالی را به شدت کاهش می‌دهد؛ موضوعی که توجه زیادی را در سال‌های اخیر به خود جلب کرده است. کمیته بورس اوراق بهادار آمریکا^{۱۲} (SEC) از تجدید ارائه در صورت‌های مالی به عنوان بارزترین نشانه حسابداری و گزارشگری ناکارآمد یاد کرده و بیان می‌کند که تجدید ارائه باعث کاهش شدید اعتبار صورت‌های مالی نزد استفاده‌کنندگان می‌شود.

اندرسون و یون (۲۰۰۳) دریافتند که سرمایه گذاران به سود منتشر شده یک شرکت که تجدید ارائه داشت، ه کمتر اتکا می کنند که این امر، کاهش اتکا پذیری به اطلاعات حسابداری را نشان می دهد. نتایج تحقیقات نشان می دهد که حدود ۹۰ درصد از تجدید ارائه های صورت گرفته مرتبط با ارائه مجدد سود بوده است (شولز^{۱۳}، ۲۰۰۸). علاوه بر این، ۸۰-۹۰ درصد از سودهای تجدید ارائه شده کاهش در سود خالص را به همراه داشته که قبلاً اغراق آمیز گزارش شده است. لی یو^{۱۴} (۲۰۰۴) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر ارائه مجدد صورت های مالی بر تغییر حسابرسان و مدیریت ارشد، با بررسی ۵۶۹ شرکت - که پس از ارائه مجدد اقدام به تغییر حسابرسان خود نموده اند - به این نتیجه رسید که اعلان ارائه مجدد به طور معناداری موجب افزایش احتمال تغییر و عزل حسابرسان می شود.

دینگک هوآ و جونکسی^{۱۵} (۲۰۰۷) با بررسی ۲۷۳ شرکت با مالکیت خصوصی و دولتی به این نتیجه رسیدند که شرکت های با مالکیت خصوصی، تمایل زیادی به دستکاری و حداکثر کردن سود حسابداری خود دارند. ایتچ و همکاران^{۱۶} (۲۰۱۲) در پژوهش خود با بررسی ۲۲۹۳ تجدید ارائه صورت گرفته طی سال های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ در بورس ایالات متحده، نشان دادند حدود ۹۳ درصد از این تجدید ارائه ها، سود را کاهش داده و فقط ۷ درصد برای افزایش سود بوده است. در بررسی عوامل تأثیر گذار بر تجدید ارائه حسابداری شرکت های موجود در بورس ایران، نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱) نشان دادند که سودآوری، اهرم مالی، اندازه حسابرسان و تغییر حسابرسان بر وقوع تجدید ارائه صورت های مالی مؤثر می باشند. همچنین مفاخری (۱۳۸۹) نشان داد که تغییر حسابرسان بر احتمال انجام تعدیلات سنواتی و اهمیت نسبی تعدیلات سنواتی در شرکت ها تأثیری ندارد. عبدلی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که تغییر حسابرسان و اندازه حسابرسان با میانگین ارقام تجدید ارائه شده در صورت های مالی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ هر چند برای متغیر نوع اظهار نظر سال جاری حسابرسان، ارتباط معناداری پیدا نشد. همچنین، سجادی و قربانی (۱۳۹۰) ارتباط مثبت و معناداری بین اندازه شرکت و رقم تعدیلات سنواتی گزارش نمودند.

با توجه به مبانی نظری و ادبیات تحقیق مطرح شده و همچنین در راستای پاسخگویی به سؤالات تحقیق فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار می‌گیرند:

فرضیه اول: بین خصوصی‌سازی و کاهش تجدید ارائه سود، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین میزان درصد سهام خصوصی شده و کاهش تجدید ارائه سود، رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این مطالعه به دنبال بررسی تأثیر خصوصی‌سازی به عنوان متغیر مستقل و تجدید ارائه سود به عنوان متغیر وابسته می‌باشد. روش مورد نظر برای انجام آزمون فرض‌های این پژوهش، همبستگی و با استفاده از اطلاعات گذشته است. اطلاعات شرکت‌ها از صورت‌های مالی ارائه شده در سایت بورس اوراق بهادار تهران، سازمان خصوصی‌سازی و همچنین نرم‌افزارهای تدبیرپرداز و ره‌آوردنویس جمع‌آوری شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش تمامی شرکت‌های واگذار شده از طرف سازمان خصوصی‌سازی است. نمونه این تحقیق با توجه به موضوع آن، از انواع نمونه‌گیری هدفمند است که در آن شرکت‌ها از بین مجموعه‌ای از شرکت‌های بورسی مشمول اصل ۴۴ که از طرف سازمان خصوصی‌سازی طی دوره زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۹ به سایر بخش‌های عمومی، شبه دولتی و یا خصوصی واگذار شده، انتخاب شده است. اطلاعات مورد نیاز برای ۲ سال قبل (۱۳۸۰) و بعد (۱۳۹۱) از واگذاری گردآوری شده است. نهایتاً تعداد ۱۰۱ شرکت در طی قلمرو زمانی پژوهش بالای ۲۰ درصد واگذار شده است که از این بین تنها ۳۵ شرکت (۱۴۰ سال - شرکت)، پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و اطلاعات آنها در دسترس بوده است. به این منظور برای تعیین نمونه مورد مطالعه، شرکت‌هایی از جامعه یاد شده انتخاب شده اند که:

۱. شرکت در زمان یاد شده مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی باشد.

۲. حداقل ۲۰ درصد از سهام در اختیار دولت شرکت توسط سازمان خصوصی سازی، واگذار شده باشد.

۳. در قلمرو زمانی تحقیق حداقل یک بار صورت های مالی سالانه تجدید آرائه شده، منتشر نموده باشند.

۴. اطلاعات مورد نیاز شرکت برای دوره مورد بررسی در دسترس باشد.

الگوی آزمون فرضیه ها

برای آزمون فرضیه اول پژوهش از الگوی شماره ۱ استفاده شده است:

$$\text{RESTATE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{OWNERSHIPCH}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{GROWTH}_{it} + \beta_4 \text{LOSS}_{it} + \beta_5 \text{AUDITTYPE}_{it} + \beta_6 \text{STOCKFINANCE}_{it} + \beta_7 \text{DEBTFINANCE}_{it} \quad (1)$$

که در آن:

متغیر وابسته تحقیق: تجدید آرائه سود^{۱۷} (RESTATE) می باشد و به منظور سنجش اثر دقیق آن از قدر مطلق تفاوت سود تجدید آرائه شده با سود گزارش شده قبلی استفاده شده است. استفاده از قدر مطلق بدین منظور است که تجدید آرائه در هر صورت (افزایشی یا کاهش) یک نوع مدیریت سود می باشد و باعث کاهش کیفیت سود گزارش و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی صورت گرفته می باشد.

متغیرهای مستقل تحقیق: خصوصی سازی (تغییر مالکیت)^{۱۸} می باشد. اگر بیش از ۲۰ درصد سهام (نفوذ قابل ملاحظه) شرکت از طرف سازمان خصوصی سازی واگذار شده باشد برای فرضیه اول عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر منظور شده است. برای فرضیه دوم میزان درصد مالکیت انتقال یافته در الگوی رگرسیونی جای می گیرد.

متغیرهای کنترلی تحقیق، اندازه شرکت صاحبکار (SIZE) و رشد فروش^{۱۹} (GROWTH): از آنجا که فشار برای حفظ رشد، احتمال آرائه نادرست را بالا می برد، انتظار می رود این متغیر با تجدید آرائه سود، رابطه مثبت داشته باشد. برای اندازه گیری این متغیر مشابه مطالعه اگراوال و چندها^{۲۰} (۲۰۰۵) از معیار درصد تغییر در فروش سال جاری نسبت به سال قبل استفاده شده است.

متغیر زیان (LOSS): طبق پژوهش کاو و همکاران^{۲۱} (۲۰۰۹)، شرکت‌هایی که متحمل زیان می‌شوند سعی در بهبود آن به وسیله ارائه نادرست دارند، که به صورت تجدید ارائه بروز می‌کند. در این مطالعه اگر شرکت در سال قبل از سال مورد نظر زیان داشته باشد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر تعریف شده است.

نوع حسابرس^{۲۲} (AUDIT TYPE): در این مطالعه اگر حسابرس شرکت در سال قبل سازمان حسابرسی باشد، عدد یک و در غیر این صورت صفر منظور شده است.

تأمین مالی از طریق انتشار سهام (STOCKFINANCE) و تأمین مالی از طریق بدهی (DEBTFINANCE)^{۲۳}: تحقیقات نشان می‌دهند که شرکت‌های در شرف تأمین مالی بیشتر احتمال دارد اقدام به ارائه نادرست اطلاعات (تجدید ارائه) و مدیریت سود نمایند (رامونس و همکاران^{۲۴}، ۲۰۰۸). در این مطالعه اگر شرکتی بیش از ۳۰ درصد سرمایه سال گذشته خود افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام عادی داده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق خواهد گرفت. همچنین اگر درصد افزایش بدهی بلندمدت شرکت نسبت به سال قبل بیش از ۳۰ درصد باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر تعلق خواهد گرفت. انتظار می‌رود این متغیر با تجدید ارائه‌ها رابطه مثبت داشته باشند. برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از الگوی شماره ۲ استفاده شده است که به صورت زیر می‌باشد:

$$\text{RESTATE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \% \text{OWNERSHIPCH}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{GROWTH}_{it} + \beta_4 \text{LOSS}_{it} + \beta_5 \text{AUDITTYPE}_{it} + \beta_6 \text{STOCKFINANCE}_{it} + \beta_7 \text{DEBTFINANCE}_{it} \quad (2)$$

متغیر مستقل فرضیه دوم: میزان خصوصی سازی (تغییر مالکیت) می‌باشد که برای فرضیه دوم میزان درصد مالکیت انتقال یافته در الگوی رگرسیونی تعلق می‌گیرد. سایر متغیرها در بالا شرح داده شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار صورت گرفته است. همچنین

برای آزمون فرضیه های تحقیق از الگوی رگرسیونی داده های ترکیبی نامتوازن استفاده شده است.

نتایج آزمون فرضیه ها و یافته های پژوهش

آمار توصیفی

برای تجزیه و تحلیل مقدماتی داده ها، از آمار توصیفی متغیرهای پژوهش استفاده شده است. طبق جدول شماره ۱، میانگین تجدید ارائه سود برای دوره های قبل و بعد از خصوصی سازی، به ترتیب برابر ۰/۱۶۸ و ۰/۱۳۰ بوده است که این متغیر کاهش یافته است، که مغایر با تحقیقات قبلی (پلوملی و یون، ۲۰۱۰) می باشد. اطلاعات ارائه شده در این مطالعه نشان می دهد که اگرچه میزان تجدید ارائه سود حسابداری میان شرکت های واگذار شده در راستای اصل ۴۴ در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره مورد بررسی کاهش یافته است، اما از حجم گسترده ای برخوردار است و بیشتر شرکت ها (۱۰۱ سال - شرکت از ۱۴۰ مورد حجم نمونه) سود حسابداری سال گذشته خود را ارائه مجدد می کنند، که با توجه به مبانی نظری و ادبیات تحقیق مطرح شده، می تواند حاکی از کیفیت پایین گزارشگری مالی قلمداد شود.

اندازه شرکت قبل از تغییر مالکیت ۱۳/۵۰۲ و بعد از تغییر صورت گرفته ۱۳/۹۳۰ می باشد. همچنین میانگین رشد شرکت قبل و بعد از تغییر مالکیت به ترتیب ۰/۴۳۳ و ۰/۲۷۴ می باشد که نشان دهنده کاهش رشد شرکت های واگذار شده از طرف سازمان خصوصی سازی طی سال های مورد بررسی است. تنها ۲ شرکت قبل از تغییر مالکیت زیان داشته اند و این متغیر برای دوره بعد از تغییر مالکیت تعداد ۷ شرکت بوده است. افزایش زیان شرکت های واگذار شده از ۲ شرکت به ۷ شرکت می تواند ناشی از کاهش حمایت دولت از این شرکت ها باشد. به همین ترتیب اطلاعات آماری منعکس شده در جدول شماره ۱، نشان می دهد که در دوره ۲ ساله قبل از تغییر مالکیت، تعداد ۴۱ شرکت (۵۸٪) از سازمان حسابرسی برای حسابرسی صورت های مالی خود استفاده کرده و ۲۹ شرکت (۴۲٪) از سایر موسسات حسابرسی بهره برده اند. که این رقم در دوره بعد از واگذاری شرکت ها به

ترتیب به ۲۳ شرکت (۳۳٪) و ۴۷ شرکت (۵۷٪) رسیده است و تعداد بیشتری از شرکت‌ها توسط موسسه‌ای غیر از سازمان حسابرسی حسابرسی شده‌اند (جدول شماره ۱). همچنین، شرکت‌هایی که برای تأمین مالی بیش از ۳۰٪ سرمایه، از طریق انتشار سهام اقدام نموده‌اند برای دوره قبل از واگذاری ۱۰ مورد و برای دوره بعد از واگذاری ۱۵ مورد بوده است که افزایش تأمین مالی از طریق انتشار سهام را نشان می‌دهد. تأمین مالی بیش از ۳۰٪ بدهی‌های بلندمدت، برای دوره قبل از تغییر مالکیت برابر ۳۱ (۴۴٪) و برای ۲ سال بعد از تغییر مالکیت برابر ۱۳ مورد (۱۸٪) می‌باشد که با کاهش مواجهه بوده است.

جدول شماره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص‌های آماری	علامت اختصاری	دوره	تعداد مشاهدات	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
تجدید ارائه سود	RESTATE	قبل	۷۰	۰/۱۶۸	-۰/۵۹۳	۱/۷۳۲	۰/۳۱۵
		بعد	۷۰	۰/۱۳۰	۰	۱/۸۷۳	۰/۳۴۱
اندازه شرکت	SIZE	قبل	۷۰	۱۳/۵۰۲	۹/۵۰۶	۱۷/۶۶۰	۲/۰۰۵
		بعد	۷۰	۱۳/۹۳۰	۷/۹۳۴	۱۷/۸۶۳	۲/۰۴۵
رشد شرکت	GROWTH	قبل	۷۰	۰/۴۳۳	-۰/۷۲۴	۷/۷۸۸	۰/۹۸۸
		بعد	۷۰	۰/۲۷۴	-۰/۸۲۴	۷/۹۱۵	۱/۲۰۹
				فراوانی عدد ۱			فراوانی عدد ۰
				تعداد	درصد	تعداد	درصد
زیان	LOSS	قبل	۷۰	۲	٪۳	۶۸	٪۹۷
		بعد	۷۰	۷	٪۱۰	۶۳	٪۹۰
نوع حسابرس	AUDIT	قبل	۷۰	۴۱	٪۵۸	۲۹	٪۴۲
		بعد	۷۰	۲۳	٪۳۳	۴۷	٪۶۷
تأمین مالی با سهام عادی	STF	قبل	۷۰	۱۰	٪۱۰	۶۰	٪۹۰
		بعد	۷۰	۱۵	٪۲۱	۵۵	٪۷۹
تأمین مالی با بدهی‌های بلندمدت	DBF	قبل	۷۰	۳۱	٪۴۴	۳۹	٪۵۶
		بعد	۷۰	۱۳	٪۱۸	۵۷	٪۷۲

نتایج آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه های پژوهش از الگوی شماره ۱ استفاده شده است. استفاده از الگوی رگرسیونی منوط به محقق شدن مفروضاتی است که برای تأیید آنها از آزمون های همخطی بین متغیرها (VIF) و دورین واتسون استفاده شده است. همچنین نرمال بودن توضیح متغیر وابسته و خطاها نیز به عنوان دیگر مفروضات کلاسیک رگرسیون بررسی و تأیید گردیده است. نتایج آزمون فرضیه های پژوهش برای فرضیه اول و دوم به ترتیب در جدول شماره ۲ و ۳ ارائه شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون چاو، از بین الگوی تلفیقی و اثرات ثابت، الگوی اثرات ثابت پذیرفته شد. همچنین آزمون هاسمن انجام شد که نتیجه آزمون هاسمن، انتخاب الگوی اثرات تصادفی بود. همانطور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می شود آماره فیشر بیانگر معناداری الگو در سطح خطای ۱ درصد است. R^2 تصحیح شده این الگو، ۲۱٪ می باشد و بیانگر آن است که متغیرهای مستقل تحقیق ۲۱٪ تغییرات تجدید ارائه را بیان می کنند. همچنین مقدار آماره دورین واتسون برابر $1/81$ می باشد که بین $1/5$ و $2/5$ قرار دارد و فرض استقلال خطاها را تأیید می کند.

به عنوان یک قاعده تجربی اگر مقدار VIF کوچکتر از ۵ باشد همخطی بین متغیرها وجود ندارد. مقدار آماره VIF برای هر دو فرضیه (جدول شماره ۲ و ۳) این پژوهش عددی بین $1/12$ و $3/67$ می باشد و کمتر از ۵ است، که مؤید نبود همخطی بین متغیرهای پژوهش است.

نتایج آزمون فرضیه اول در جدول شماره ۲ آورده شده است. همانطور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می شود رابطه منفی و معناداری بین خصوصی سازی (OWNERSHIPCH) و تجدید ارائه های صورت های مالی وجود دارد (ضریب متغیر OWNERSHIPCH معادل $-0/078$ و سطح معناداری آن $0/049$ است). این نتیجه بیانگر آن است که خصوصی شدن شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران احتمال تجدید ارائه های صورت های مالی را کاهش می دهد و مدیران شرکت های خصوصی شده در دستکاری اطلاعات حسابداری محدود می شوند که دلیل آن را می توان به تئوری نمایندگی نسبت داد.

جدول شماره ۲. نتایج آزمون فرضیه اول

$$\text{RESTATE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{OWNERSHIPCH}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{GROWTH}_{it} + \beta_4 \text{LOSS}_{it} + \beta_5 \text{AUDITTYPE}_{it} + \beta_6 \text{STOCKFINANCE}_{it} + \beta_7 \text{DEBTFINANCE}_{it}$$

متغیر وابسته: تجدید ارائه سود-الگوی اثرات تصادفی

متغیر توضیحی	ضریب متغیر	آماره t	سطح معناداری	VIF
OWNERSHIPCH	-۰/۰۷۸	-۱/۹۷۱	۰/۰۴۹	۳/۶۷
Size	-۰/۰۵۱	-۰/۵۵۶	۰/۲۷۸	۱/۳۷
AUDIT	-۰/۱۱۸	-۱/۷۴۳	۰/۰۸۳	۱/۱۵
GROWTH	۰/۵۴۶	۲/۱۷	۰/۰۳۱	۱/۷۶
DBF	۰/۰۰۵	۰/۵	۰/۲۱۷	۱/۲۷
STF	-۰/۰۰۴	-۱/۰۰۵	۰/۱۱۷	۲/۱۹
LOSS	۰/۰۰۳	۰/۲۹۱	۰/۳۷۱	۱/۲۰
آماره F	۳/۹۹۷	دوربین واتسون		۱/۸۱
سطح معناداری F	۰/۰۰۰	R ² تعدیل شده		۰/۲۱

نتایج آزمون مربوط به فرضیه دوم در جدول شماره ۳ آورده شده است. همانطور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می شود ضریب متغیر درصد مالکیت خصوصی شده (OWNERSHIPCH%) معادل -۰/۰۳۱- و سطح معناداری آن ۰/۰۲۰ معنادار می باشد؛ بدین معنا که با واگذاری سهام دولتی شرکت های مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی میزان تجدید ارائه های سود در صورت های مالی کاهش پیدا می کند و هرچه میزان این واگذاری ها بیشتر شود، سطح تجدید ارائه صورت های مالی نیز بیشتر کاهش می یابد و شاهد گزارشگری مالی با کیفیت بالا خواهیم بود (وجود رابطه منفی معنادار بین درصد تغییر مالکیت و تجدید ارائه سود). زیرا در شرکت های به اصطلاح خصوصی شده به دلیل مسائل نمایندگی، نقش نظارت بر مدیریت پررنگ تر شده و در نتیجه احتمال خطا یا تحریف صورت های مالی به وسیله تجدید ارائه صورت های مالی توسط مدیریت، کاهش می یابد. به بیان دیگر تغییر مالکیت هایی که با کنترل در واحد سرمایه پذیر همراه است (واگذاری بیش از ۵۰ درصد سهام شرکت) نسبت به واگذاری هایی که با نفوذ همراه است (واگذاری بین ۲۰ تا ۵۰ درصد سهام شرکت) بیشتر منجر به کاهش تجدید ارائه سود در صورت های

مالی می گردند. این نتیجه نیز مطابق با پژوهش های قبلی است، برای مثال چان و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود دریافتند که کاهش در میزان مالکیت دولتی و افزایش سهامداران نهادی باعث افزایش کیفیت حسابرسی در بازار سهام چین گردیده است. همچنین، بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) نیز در تحقیق خود دریافتند که هرچه مالکیت (سهام) دولت بیشتر باشد، شفافیت مالی ضعیف تر می شود.

جدول شماره ۳. نتایج آزمون فرضیه دوم

$$RESTATE_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 OWNERSHIPCH_{it} + \alpha_2 SIZE_{it} + \alpha_3 GROWTH_{it} + \alpha_4 LOSS_{it} + \alpha_5 AUDITTYPE_{it} + \alpha_6 STOCKFINANCE_{it} + \alpha_7 DEBTFINANCE_{it}$$

متغیر وابسته: تجدید ارائه سود الگوی اثرات تصادفی

VIF	سطح معناداری	آماره t	ضریب متغیر	متغیر توضیحی
۲/۲۱	۰/۰۲۰۱	-۲/۴۲۵	-۰/۰۳۱	OWNERSHIPCH%
۱/۷۸	۰/۸۵۸	-۰/۱۷۹	۰/۰۱۶۴	Size
۱/۸۷	۰/۰۶۴	-۱/۸۶۵	-۰/۱۲۵	AUDIT
۱/۳۵	۰/۰۴۲	۱/۱۷۶	۰/۳۴۹	GROWTH
۱/۷۱	۰/۶۰۳	۰/۵۲۱	۰/۰۰۵۷	DBF
۱/۱۶	۰/۲۹۴	-۱/۰۵۴	-۰/۰۰۴۳	STF
۱/۱۲	۰/۷۹	۰/۲۶۶	۰/۰۰۳۲	LOSS
۱/۶۸		دوربین واتسون	۴/۱۴۵	آماره F
۰/۱۹		R ² تعدیل شده	۰/۰۰۰	سطح معناداری F

رابطه بین اندازه شرکت و تجدید ارائه سود در صورت های مالی با ضریب $-۰/۰۵۱$ و سطح معناداری برابر $۰/۲۷۸$ در سطح خطای ۵ درصد در فرضیه اول (جدول شماره ۲) و با سطح معناداری $۰/۸۵$ در فرضیه دوم (جدول شماره ۳) معنادار نیست، از طرفی رابطه بین نوع حسابرسی و تجدید ارائه های صورت های مالی (جدول شماره ۲) با ضریب بتای $-۰/۱۱۸$ و سطح معناداری برابر $۰/۰۸۳$ و در فرضیه دوم (جدول شماره ۳) با سطح معناداری $۰/۰۶۴$ در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست، اما در سطح خطای ۱۰ درصد معنادار می باشد. بدین معنا که، شرکت هایی که از سازمان حسابرسی به عنوان حسابرسی خود

استفاده نموده‌اند تجدید ارائه‌های حسابداری کمتری در آن شرکت‌ها رخ داده است. متغیر رشد شرکت در هر دو الگو به صورت معناداری با تجدید ارائه‌های صورت‌های مالی رابطه دارد، که در فرضیه اول (جدول شماره ۲) سطح معناداری آن برابر ۰/۰۳۱ و در فرضیه دوم (جدول شماره ۳) سطح معناداری برابر ۰/۰۴۲ است که در سطح خطای ۵ درصد معنادار می‌باشد.

دیگر متغیرهای کنترلی نظیر تأمین مالی از طریق سهام و تأمین مالی از طریق بدهی‌های بلندمدت و همچنین زیان‌ده بودن شرکت با تجدید ارائه‌های صورت‌های مالی در هر دو فرضیه تحقیق، رابطه معناداری مشاهده نشده است. پیش‌بینی پژوهش این بود که شرکت‌های نیازمند به تأمین مالی اقدام به ارائه نادرست در سال قبل از تأمین مالی می‌کنند، که در سال بعد منجر به تجدید ارائه می‌شود. رابطه مثبت بین تأمین مالی از طریق بدهی و تجدید ارائه صورت‌های مالی به معنای افزایش تجدید ارائه صورت‌های مالی در اثر افزایش تأمین مالی از طریق بدهی می‌باشد که این نتیجه با فرضیه قرارداد بدهی که توسط واتر و زیمرمن (۱۹۸۶) بیان شد، سازگاری دارد.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش اولین تحقیق در زمینه تأثیر تغییر مالکیت (خصوصی‌سازی) بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران می‌باشد. نتیجه حاصل از پژوهش، فرضیه اول را مبنی بر ارتباط معکوس بین خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و تجدید ارائه سود در صورت‌های مالی، مورد تأیید قرار می‌دهد. بدین معنا که هرچه شرکت‌ها به سمت خصوصی‌سازی پیش بروند میزان تجدید ارائه سود کاهش می‌یابد. در واقع کیفیت حسابرسی (تجدید ارائه صورت‌های مالی) در شرکت‌هایی که بیش از ۲۰ درصد آن توسط سازمان خصوصی‌سازی و از طرف بورس اوراق بهادار تهران واگذار شده است در سطح بالاتری (تجدید ارائه کمتر) نسبت به قبل از آن قرار دارد. زیرا، در شرکت‌های دولتی سطح کیفیت گزارشگری مالی، محدود به قوانین و بخش‌نامه‌های تصویب شده از طرف مجلس شورای اسلامی و یا هیئت وزیران می‌باشد و شرکت‌های خصوصی شده تحت نظارت بیشتری

توسط سهامداران عمده شرکت و همچنین سرمایه گذاران و مالکان آن است. لذا، مدیریت واحد تجاری برای جلوگیری از برکناری به ارائه گزارشگری مالی با سطح کیفیت بالاتر اقدام می نماید.

همچنین نتیجه تحقیق حاکی از رابطه معکوس و معنادار بین میزان تغییر مالکیت و تجدید ارائه سود در صورت های مالی می باشد که فرضیه دوم تحقیق را مورد تأیید قرار می دهد. بدین معنا که افزایش میزان مالکیت انتقال یافته از طرف سازمان خصوصی سازی باعث کاهش تجدید ارائه سود - که شاخصی برای کیفیت بالای حسابداری است - می شود. وجود این رابطه می تواند نشان از نظارت مؤثر در دوره بعد از واگذاری باشد. از طرفی معناداری این رابطه در سطح ضعیف می تواند نشان از سیاست های اشتباه در روند واگذاری و عدم وجود نهادهای نظارتی - که به نمایندگی از سهامداران پراکنده و جزء نظارت بر عملکرد مدیران هستند - باشد. یک دلیل برای نتایج تحقیق می تواند نفوذ بیشتر سهامداران غیر دولتی و همچنین نظارت بیشتر آنها در تهیه و ارائه گزارشگری مالی شرکت باشد. در واقع سهامداران با درصد مالکیت بالا را می توان به عنوان مالکان شرکت دید. در عین حال این موضوع نیاز به بررسی بیشتری دارد، زیرا نوع و میزان تأثیر سهامداران با درصد مالکیت بالا می تواند متأثر از عوامل دیگر باشد. به عنوان مثال، میزان مالکیت سهامداران عمده (با مالکیت سهام بیش از ۵ درصد) و وابستگی این سهامدار به اشخاص خصوصی یا شرکت های دولتی می تواند تجدید ارائه های حسابداری و به تبع آنها کیفیت حسابداری را تحت تأثیر قرار دهد. از دلایل دیگر که نتایج حاصل از تحقیق را در مورد فرضیه دوم تحقیق تأیید می کند، می تواند همگرایی منافع میان سهامداران (عمده و جزئی) غیر دولتی با هم باشد.

نتایج این تحقیق همراستا با پژوهش های انجام شده، پورعلی و همکاران (۱۳۹۲)، مجتهدزاده و اثنی عشری (۱۳۹۳)، نیکبخت و همکاران (۱۳۹۱)، لی یو (۲۰۰۴)، گدامی و همکاران (۲۰۰۹)، چن و همکاران (۲۰۰۸)، چان و همکاران (۲۰۰۷)، بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) است. چان و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیق خود نشان دادند که کاهش در میزان

مالکیت دولتی و خصوصی سازی شرکت‌ها و افزایش سهامداران نهادی کیفیت حسابرسی را در بازار سهام چین بهبود داده و باعث کاهش میزان تجدید ارائه صورت‌های مالی شده است. از طرفی، دینگک هوآ و جونکسی (۲۰۰۷) در پژوهش خود نشان دادند که شرکت‌های با مالکیت خصوصی، تمایل زیادی به دستکاری و حداکثر کردن سود حسابداری خود دارند. لذا، اجرای موفق خصوصی سازی توجه بیشتر مسئولان به وضع قوانین و مقررات لازم، مهیا ساختن شرایط و زیر ساخت‌های لازم برای این امر مهم، استفاده از تجارب کشورهای موفق در این زمینه و تحقیقات بیشتر را می‌طلبد. به منظور موفقیت در امر خصوصی سازی در افزایش کیفیت گزارشگری مالی پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، به دولت پیشنهاد می‌شود که با همکاری سازمان بورس و اوراق بهادار و همچنین سازمان حسابرسی، مقررات و استانداردهایی را جهت کنترل هر چه بهتر رفتار مدیریت شرکت‌های واگذار شده در انتخاب روش‌های متعدد حسابداری و مقررات دولتی که می‌تواند منجر به دستکاری و ارائه غیر واقعی سود شود، تدوین نمایند؛ همچنین نظارت بیشتری بر شرکت‌های واگذار شده داشته باشند. یکی از محدودیت‌های تحقیق، استفاده از اطلاعات شرکت‌های بورسی واگذار شده توسط سازمان خصوصی سازی که بیش از ۵ درصد سهام آنها انتقال یافته که تعداد نمونه مورد بررسی را کاهش داده است.

یادداشت‌ها

1. Privatization
2. Yonnedi
3. Fafaliou and Donaldson
4. Anderson and Yohn
5. Xie
6. Audit Quality
7. Viverita and Ariff
8. Guedhami
9. Chen
10. Bushman
11. Financial Statement Restatements
12. Securities and Exchange Commission
13. Scholz
14. Liu
15. Ding , Hua and Junxi
16. Ettredge
17. Earnings Restatement
18. Ownership-Change
19. Growth
20. Agrawal and Chandha

- | | |
|----------------------------------|----------------|
| 21. Cao | 22. Audit type |
| 23. StockFinance and DebtFinance | 24. Romanus |

References

- Abdoli, M.R., Gayoumi, A. Partovi, N. (2013). The effects of auditor s characteristics on the financial restatement. *Iranian Accounting and Auditing Review*, 20(3), 85-100 [In Persian].
- Agrawal, A., Chandha, S. (2005). Corporate governance and accounting scandals. *Working Paper*, www.ssrn.com.
- Anderson, K.L., Yohn, T.L. (2003). The effect of 10-k restatements on firm value, Information asymmetries, and investors' reliance on earnings. *Working Paper*, www.ssrn.com.
- Azar, A., Gholipor, R., Alavani, S.M., komijani, A., Mohammadi, E. (2012). Designing of comprehensive model privatization and transfer of state owned enterprises with policymaking approach in Iran. *Management Researches in Iran*, 15(4), 18-45 [In Persian].
- Bushman, R., Piotroski, J., Smith, A. (2004). What determines corporate transparency? *Journal of Accounting Research*, 42, 207-252.
- Cao, Y., Myers, L.A., Omer, T.C. (2009). Does company reputation matter for financial reporting quality? Evidence from restatements. *Working Paper*, www.ssrn.com.
- Chan, K., Hung, L., Kenny, Z., Zhang, F. (2007). On the association between changes in corporate ownership and changes in auditor quality in a transitional economy. *Journal of International Accounting Research*, 6(1), 19° 36.
- Chen, H., Jeff, Z., Chen, G.L., Yanyan, W. (2008). Effects of audit quality on cost of equity capital and earnings management: Evidence from China. 22(1), 20-33.
- Ding, Y., Hua, Y., Junxi, Y. (2007). Private vs state ownership and earnings management: Evidence from chinese listed companies. *Corporate Governance An International Review*, 15(2), 223-238.
- Ettredge, M., Ying, H., Weining, Z. (2012). Earnings restatements and differential timeliness of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 53, 489° 503.
- Fafaliou, I., Donaldson, J. (2007). The contribution of privatization to welfare. *Journal of International Economics Research*, 13, 461-474.
- Ghalibaf Asl, H., Ranjbar, D.F. (2006). The effect of ownership on firm performance (experience of privatization in Iran). *Journal of Financial Research*, 7(2), 117-133 [In Persian].
- Guedhami, O., Jeffrey A., Pittman, W.S. (2009). Auditor choice in privatized firms: Empirical evidence on the role of state and foreign owners. *Journal of*

- Liu, L.L. (2004). Consequences of financial restatements for auditors and top executives. *Working Paper*, Florida International University.
- Mafakheri. M. (2011). Change the relationship between the auditor and the annual adjustments, *Master Thesis*, University of Allameh Tabatabai [In Persian].
- Mojtahedzadeh, V., Esna Ashari, H. (2014). The relationship between privatization and corporate governance mechanisms with speed of corporate financial reporting and financial performance. *Journal of Accounting Advances*, 6(1), 115-140 [In Persian].
- Nikbakht, M.R. Rafiee, A. (2012). A model of effective factors in financial restatements in Iran. *Journal of Accounting Knowledge*, 3(9), 167-194 [In Persian].
- Plumlee, M., Yohn, T.L. (2010). An analysis of the undedying causes attributed to restatements. *Accounting Horizons*, 24(1), 41-64.
- Poorali, M., Falah, A., Mehdizadeh Tarasani, A. (2013). The effect of ownership type (private or public) on different level of financial health and providing a fitting prediction model here of. *11th Iranian Academic Accounting Conference* [In Persian].
- Romanus, R.N., Maher, J., Fleming, J. (2008), Auditor industry specialization, auditor changes, and accounting restatements, *Accounting Horizons*, 22(4), 389-413.
- Sajadi, H., Ghorbani, R. (2012). The relationship between specific characteristics of firms and their prior period adjustments. *Journal of Empirical Reasearch of Financial Accounting*, 2, 62-75 [In Persian].
- Scholz, S. (2008). The changing nature and consequences of public company financial restatements: 1997-2006. *Working Paper*, Treasury department report, U.S. Department of the treasury, Washington, DC.
- Viverita, R., Ariff, M. (2004), Corporate performance of indonesias private and public sector firms: Financial and production efficiency. *PPC2004 conference*, Centre for efficiency and productivity analysis school of economics, University of Queensland, Brisbane.
- Watts, R., Zimmerman, J. (1986). *Positive Accounting Theory*. Prentice-hall, Englewood cliffs, NJ.
- Xia, W. (2006). Accounting restatement: A comparison between China and USA, *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 2(10),10-15.
- Xie, B., Davidson, W.N.M., DaDalt, P.J. (2003), Earnings management and corporate governance: The role of the boani and the audit committee, *Journal of Corporate Finance*, 9, 296-316.

Yonnedi, E. (2010). Privatization, organizational change and performance: Evidence from Indonesia, *Journal of Organizational Change Management*, 23(5), 537-563.

